

فصلنامه «مطالعات نظریه و انواع ادبی»

دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه حکیم سبزواری

سال اول، شماره سه، تابستان ۱۳۹۵، صص ۷۸-۵۵

بازساخت تحلیلی گونه‌های کمتر شناخته شده در نوع ادبی شعر علوی

اکرم کرمی^۱

زهرا پارساپور^۲

دانشگاه تربیت مدرس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

شعر شیعه به طور کلی و شعر علوی به طور خاص در طول قرن‌ها حیات خود در قالب‌ها و انواع مختلف ادبی توانسته است مضامین مختلف کلامی، تاریخی و فکری را به همراه شور و احساسات سرایندگان خود از ملل و مذاهب گوناگون متجلی سازد. در این مقاله بر آنیم تا انواع ادبی را در شعر علوی شناسایی و معرفی نماییم. تقسیم‌بندی پیشنهادی اشعار علوی بر اساس محتوا و درون‌مایه آن‌ها خواهد بود که غالباً اسامی اشعار و یا مجموعه شعری مبتنی بر آن است که بعدها این عناوین به شکل یک نوع ادبی در ادبیات دینی مطرح شده است. بعضی از این گونه‌ها مانند غدیریه سرایی و فتوت نامه سرایی پیش از این معرفی شده‌اند و تعدادی دیگر مانند ترجمه سرایی، ولایت نامه، خیبرنامه در این مقاله برای نخستین بار مطرح و معرفی می‌شوند و نمونه‌هایی از آن‌ها از دیوان‌ها و نسخه‌های خطی به عنوان شاهد مثال آورده می‌شوند. برخی از این انواع مانند دیوانه، خیبرنامه، غدیریه و حمله حیدری در تاریخ ادبیات اختصاص به شعر علوی دارند. میزان پرداختن به واقعیت‌های تاریخی و یا تخیلات شاعرانه و باورهای عامیانه به نوع ادبی اشعار مربوط می‌شود. بدیهی است با بررسی‌های وسیع‌تر می‌توان به انواع تازه‌تری در این اشعار رسید.

واژه‌های کلیدی: شعر علوی، انواع ادبی، مدایح.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس: karamin2712@gmail.com

۲. دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: z.parsapoor@yahoo.com

زمان پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۲۵

زمان دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۳

۱- مقدمه

اظهار تشیع و علاقه به اهل بیت در طول قرن‌های گذشته با وجود حاکمان و حکومت‌های متعصب اهل تسنن امری دشوار و خطرآفرین بوده است. با وجود این محبان اهل بیت با عشق و شوری خاص، خالصانه‌ترین بخش ادبیات تشیع را تا قبل از صفویه خلق کردند. بعد از صفویه شاهد رشد قابل ملاحظه‌ای در شعر شاعران شیعه هستیم که هم از حیث تنوع و هم از حیث مضامین با دوره قبل متفاوت است. این شاعران ضمن بیان ارادت خالصانه خود به اهل بیت با استناد به وقایع مختلف تاریخی و نیز آیات و روایات، به اثبات حقانیت شیعه می‌پرداختند و به این وسیله شعر را وسیله تبلیغ مذهب و باورهای خود در تاریخ قرار دادند. مدایح و مناقب اهل بیت در شعر شاعران شیعه خلاصه نمی‌شود بلکه بخشی از این اشعار از جمله اشعار علوی سروده شاعران برجسته و مخلص اهل تسنن است که با ارادت خاص به بیان فضایل اهل بیت به ویژه مولا امیرالمؤمنین در شعر خود پرداخته‌اند. از سوی دیگر شعر مذهبی در ایران، خاصه شعر علوی علاوه بر بیان ارادت نسبت به اهل بیت گاه زمینه‌ساز ادبیات اعتراضی نسبت به حکومت‌های ستمگر بود و نیز گاهی در راستای امیدبخشی به اقلیت شیعه در روزگار پیش از صفویه بوده است.

با مراجعه به تحقیقاتی که تا کنون در حوزه شعر اهل بیت صورت گرفته است ملاحظه می‌کنیم که حجم آن‌ها نسبت به گستره اشعار به جا مانده در طول قرون متمادی دو نقیصه بزرگ دارند: نخست این که بسیار محدود و اندکند تا جایی که هنوز حتی نتوانسته‌ایم خود این آثار را زنده و احیا کنیم و نسخه‌های خطی متعددی در کتابخانه‌های ما هنوز دست نخورده، مهجور و گمنام مانده‌اند. اشعار ارزشمندی که با وجود مخاطرات فراوان قرن‌ها دست به دست گشته‌اند و این میزان از آن‌ها در جنگ‌ها و دیوان‌ها به دست ما رسیده است. دوم این که متأسفانه بیشتر همین تحقیقات اندک که از قضا با عشق و ارادت به اهل بیت انجام شده، سطحی است و شاید در حد همان گردآوری محدود مانده است. هنوز نتوانسته‌ایم در تحلیل و طبقه‌بندی این اشعار گام‌های مؤثری برداریم. بی‌شک از دل این اشعار اطلاعات ارزشمند ادبی، تاریخی، دینی، عرفانی و جامعه‌شناختی به دست می‌آید که می‌تواند ما را در مطالعات مختلف از جمله در شناخت تاریخ تفکر و اندیشه شیعه یاری رساند. در این جا به برخی از برجسته‌ترین آثاری که در این زمینه نوشته شده است، اشاره می‌کنیم.

۱-۱. پیشینه و اهمیت پژوهش

با توجه به شخصیت جامع و بی‌بدیل مولای متقیان و ارادت قلبی مسلمانان، به‌ویژه شعرای ایرانی نسبت به ایشان، تحقیقاتی در قالب کتاب، مقاله یا پایان‌نامه دانشجویی در معرفی سیمای حضرت علی (علیه السلام)، در دوره‌های مختلف تاریخ ادبیات فارسی تألیف شده است که برای نمونه می‌توان به کتاب *مناقب علوی در شعر فارسی* اثر احمدی پیرجندی و نیز کتاب *مناقب علوی در آئینه شعر فارسی* اثر ابوالقاسم رادفر و نیز به رساله دانشجویی *مناقب علوی در شعر فارسی از ابتدا تا قرن نهم* اثر فیروزه کدخدایی، اشاره کرد. این تحقیقات بیشتر به گردآوری اشعار مدحی خاصه در دوایین شعرای برجسته و صاحب دیوان چاپی پرداخته‌اند و کمتر کار پژوهشی - تحلیلی در این حوزه دیده می‌شود. یکی از زمینه‌های تحقیقاتی با توجه به گستردگی مناقب علوی در قرون مختلف، شناخت انواع ادبی در این حوزه است که تا به این زمان در این باره کار جامعی صورت نگرفته است؛ بلکه به شکل موردی تعداد محدودی از این انواع به‌صورت مستقل در آثاری معرفی شده است. از آن جمله می‌توان به نوع ادبی «غدیریه سرایی» اشاره کرد که با توجه به اهمیت واقعه غدیر و جایگاه آن در شعر فارسی مصطفی موسوی گرمارودی در کتاب *معدیر در شعر فارسی* نشر الهادی به آن پرداخته است. همچنین درباره نوع ادبی «فتوت نامه سرایی» به مقاله «جلوه لا فتی آلا علی در ادب فارسی» اثر فاطمه مدرسی می‌توان اشاره کرد که در مجموعه مقالات کنگره ولایت و اهل بیت در گستره ادب فارسی به چاپ رسیده است (ر.ک: کتابنامه). بسیاری از انواع علوی از جمله مواردی که در این مقاله برای اولین بار معرفی می‌شوند، ناشناخته مانده‌اند که شاید دلیل اصلی آن مهجور ماندن ادبیات تشیع به ویژه از محیط دانشگاهی است.

۱-۲. بیان مسئله و روش پژوهش

تقسیم‌بندی آثار ادبی به ژانرها و انواع ادبی کمک شایانی به نقد و شناخت این آثار می‌کند. هر چند امروزه به باور بعضی از محققان مرزهای این انواع مانند گذشته تعریف شده و مشخص نیست و باید در تقسیم‌بندی قدما بازنگری کرد. (ر.ک زرقانی. سید مهدی، ۱۳۸۸: ۸۳-۸۴) در طول تاریخ ادبیات شاهدیم که با در هم آمیختن این انواع و یا خلق انواع جدید تعداد و تعریف و تحدید آن‌ها ثابت نبوده است تا جایی که این تغییر و تحولات توانسته است معیاری برای بیان سیر تاریخ ادبیات گردد. سید مهدی زرقانی در

کتاب **تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی: تطور و دگردیسی ژانرها تا میانه سده پنجم** تلاش نموده است که چنین تغییراتی را دست‌مایه معرفی دوره‌های ادبیات فارسی قرار دهد. اگر به تقسیم‌بندی انواع ادبی در ادبیات شرق و غرب مروری داشته باشیم، ملاحظه می‌کنیم که نوعی آشفتگی، اختلاف نظر و ناهماهنگی هستیم. برای مثال معلوم نیست در نهایت مقسم، ملاک تعریف و تمایز این انواع، قالب و فرم است یا محتوا؟ نام‌گذاری بعضی از این انواع بر اساس فرم و قالب است و برخی دیگر بر اساس محتوا. جالب‌تر این که حتی زمانی که نوع ادبی بر اساس شکل و فرم نام‌گذاری می‌شود ما موضوعات و محتوای خاصی را نیز برای آن‌ها لحاظ می‌کنیم و یا برعکس زمانی که محتوای اثر، منشأ نام‌گذاری و شکل‌گیری یک نوع ادبی است، قالب خاصی را به آن اختصاص می‌دهیم. فرشیدورد در مقاله‌ای به مقایسه ادبیات شرق با ادبیات اروپا پرداخته است که می‌توان در آن، این آشفتگی مقسم‌ها را در انواع ادبی به شکل تطبیقی ملاحظه نمود. برای مثال نوع ادبی مرثیه که به نظر می‌رسد تعریف و تحدیدش بر اساس محتوا صورت گرفته است، در اروپا به قالب خاصی اختصاص داشته است (ر.ک ۱۳۵۸: ۵۰) یا غزل فارسی با قالبی مشخص تعریف شده‌اند. در حالی که انتظار می‌رود ملاک تغزل تنها و تنها محتوا باشد یا در مقابل گاه با عناوینی در ژانرهای ادبی مواجه می‌شویم که انتظار داریم ملاک و مقسم قالب باشد. مثل دو بیتی و مثنوی و رباعی، اما باز ملاحظه می‌کنیم که در طول تاریخ ادبیات این قالب‌ها به موضوعات خاصی اختصاص پیدا کرده است و کم‌کم در تعریف آن‌ها لحاظ شده است. باید گفت ارتباط میان این قالب‌ها و محتوای آن‌ها هر چند به شکل قاعده و قانون بیان شده است؛ اما اعتباری است و به گواه این همه تغییر در طول تاریخ ادبیات هیچ قالبی محصور در موضوع و مضمون خاصی نیست و نخواهد بود. ازین رو به نظر می‌رسد بهتر است اساس تقسیم‌بندی را یکی از این دو وجه قرار دهیم و نخواهیم تعریفی که ارائه می‌دهیم کاملاً وجوه مختلف شکل و محتوا را شامل شود.

اشکال بعدی که می‌توان به تقسیم‌بندی گذشته از انواع ادبی وارد دانست این است که در کنار قالب و موضوع زبان شاعر را که مرتبط با ذهن و اندیشه اوست، لحاظ نکرده است. حماسی و غنایی بودن تنها به موضوع شعر مرتبط نیست بلکه به زبان شاعر و نحوه بیان او مرتبط است. به‌گونه‌ای که یک موضوع و یا یک ماجرای واحد را می‌توان در یک قالب واحد مثل مثنوی با زبانی حماسی و یا غنایی بازگفت. در کتاب مقایسه زبان حماسی و غنایی

این بحث به تفصیل بیان شده است و نقش کلمات، صور خیال، موسیقی درونی بر روی حماسی و یا غنایی کردن زبان شعر کاملاً بررسی شده است (ر.ک پارساپور، زهرا: ۱۳۸۱)؛ برای مثال از یک واقعه تاریخی مثل غدیر خم و یا عاشورا می‌توان منظومه‌ای حماسی و یا غنایی سرود که بستگی به ذهن و زبان شاعر دارد. در شعر اخوان ثالث ملاحظه می‌کنیم که گاه نه موضوع و نه قالب با تعریف حماسه مطابقت ندارد؛ اما بیان حماسی است. نقش زبان و نحوه بیان در انواع ادبی گذشته دیده نمی‌شود، هر چند در نقد آثار حماسی و غنایی و توضیح در مورد آن‌ها، به ناچار منتقدان گذشته و حال به این مباحث زبانی توجه داشته‌اند. یکی از پیشنهادهایی که در کنار تقسیم‌بندی‌های موجود از ژانرهای ادبی می‌شود ارائه کرد، تقسیم بندی بر اساس محتواست بی آن که بخواهیم آن را در قالب و زبان خاصی محدود کنیم. برای مثال وقتی با این معیار در باره نوع ادبی مرثیه و یا ساقی‌نامه صحبت می‌کنیم تنها و تنها به محتوای شعر نظر داریم. طبیعی است با این نگاه بعضی از انواع ادبی که بر اساس شکل قالب نام‌گذاری می‌شوند، مثل؛ دوبیتی، رباعی، مثنوی و ... کنار گذاشته می‌شوند. از سوی دیگر با دقت در محتوای اشعار در طول ادوار شعر فارسی، انواع ادبی تازه‌ای تعریف می‌شوند که حجم قابل توجهی از اشعار را در خود جای می‌دهند. زمانی که از سوگنامه صحبت می‌کنیم دیگر فرق نمی‌کند در قالب قصیده باشد یا شعر نو، با زبان حماسی باشد یا غنایی. رسمی باشد یا عامیانه. در سوگ شاه باشد یا یک شاعر. همین طور نوع ادبی حبسیه و مدح و ...

با توجه به توضیحات داده شده در این مقاله برای اولین بار تعدادی از انواع شعر علوی بر اساس محتوا معرفی می‌شوند و سپس ارتباط تاریخی و موضوعی این انواع با شخصیت علی (ع) بیان می‌گردد و در پایان هر بخش نمونه‌ای از آن نوع از دواوین چاپ شده و یا نسخه‌های خطی موجود نقل می‌کنیم.

۲- انواع ادبی در شعر علوی

شاعرانی که در مدح و منقبت علی (ع) و گاه در هجو و رد دشمنان او شعر سروده‌اند، تلاش کرده‌اند ضمن بیان عواطف و احساسات خود، نگرش‌ها و اندیشه‌ها و باورهای تاریخی و فرهنگی خود را در شعر متجلی سازند. ازین رو نام‌گذاری بعضی از انواع ادبی شعر علوی بر اساس وقایع تاریخی و ماجراهایی است که به آن حضرت منسوب است. این دسته از انواع اختصاص به شعر علوی دارد اما بعضی دیگر از انواع مانند ساقی‌نامه‌ها هستند که در گستره شعر فارسی نمونه‌های فراوان دارند اما در شعر علوی معنا و مفهوم ویژه‌ای پیدا می‌کنند

که به شأن و منزلت آن حضرت مربوط می‌شود. در این جا تلاش می‌کنیم همه انواعی که تا کنون در شعر علوی شناسایی نمودیم به اجمال معرفی نماییم و ارتباط آن‌ها را با مقام و شخصیت والای علی (ع) بیان کنیم.

۱-۲. ساقی‌نامه‌ها

ساقی‌نامه‌ها اشعاری هستند که در آن شاعر خود را در بزمی شاهانه تصور می‌کند و از ساقی طلب می و از مطرب طلب آواز می‌کند. هر چند در تعریف ساقی نامه قالب مثنوی و بحر متقارب لحاظ شده است که گاه تعداد ابیات در آن به بیش از چهار هزار بیت می‌رسد؛ اما چنان‌که پیش ازین بیان شد قالب و تعداد ابیات و حتی بحر متقاربی که متناسب با حماسه است و نه مجلس بزم نمی‌تواند ملاک ثابتی برای ساقی‌نامه‌ها باشد. همان‌طور که در ساقی نامه رودکی معیار وزن و در اسکندرنامه نظامی تعداد ابیات رعایت نشده‌اند در حالی که هر دو از نخستین ساقی‌نامه‌ها در زبان فارسی محسوب می‌شوند. سابقه ساقی نامه به خمربه‌ها در ادبیات عرب می‌رسد. هر چند تفاوت‌هایی میان ساقی نامه و خمربه قائل شدند اما این تفاوت‌هایی که ذکر شده نیز صوری هستند. قدیمی‌ترین ساقی نامه در ادبیات فارسی در شعر رودکی ملاحظه می‌شود، هر چند در بحر هزج مثنی‌س سالم سروده شده است نه متقارب؛ بحری که برای مجالس بزم به نظر مناسب‌تر می‌آید:

بیار آن می که پنداری روان یاقوت نابستی و یا چون برکشیده تیغ پیش آفتابستی
بعد از آن نمونه‌هایی را در شعر منوچهری دامغانی، فخرالدین اسعد گرگانی و نظامی
ملاحظه می‌کنیم. جوکار هشت ویژگی را در مورد محتوای ساقی‌نامه‌ها برشمرده است که عبارت‌اند از:

۱. مخاطب قرار دادن ساقی و مغنی ۲. بسامد بالای واژگان میخانه‌ای ۳. توصیف مفصل و مکرر می ۴. اشاره به بی‌ثباتی عالم ۵. شکایت از روزگار و اهل روزگار ۶. بیان حال و اظهار اندوه و رنج خویش ۷. گریز گاه و بی‌گاه به ممدوح ۸. آوردن تلمیحات اساطیری، تاریخی و دینی (جوکار، ۱۳۸۵: ۱۰۰). جوکار درباره ساقی نامه‌های قرن دهم به بعد می‌گوید که «به جهت تأثیر اوضاع فرهنگی و گرایش‌های مذهبی، ممدوح در این ساقی‌نامه‌ها یکی از امامان شیعه به ویژه امام اول شیعیان است» (همان: ۱۰۱).

عبدالله بن عمر از پیامبر اکرم (ص) حدیثی نقل کرده است که در آن علی (ع) را ساقی حوض کوثر خوانده‌اند. آن حدیث چنین است:

وقتی در روز قیامت خداوند اولین و آخرین را گردآورد نداده‌ندهای که دور و نزدیک صدایش را می‌شنوند گوید: علی بن ابی‌طالب (ع) کجاست، علی مرتضی کجاست. در این حال علی (ع) را می‌آورند و حساب آسانی از او به عمل می‌آورند و دو حله سبز به او می‌پوشانند و از درخت طوبا عصایی به او می‌دهند و به او گفته می‌شود بر سر حوض بایست و هر که را خواهی سیراب و هر که را خواهی ممنوع کن (مجلسی، ۱۳۳۵، ج ۸: ۵۲). شاعران با در نظر داشتن این حدیث شریف از ایشان به عنوان ساقی، شراب الهی را تمنا می‌کند و در ساقی‌نامه‌ها به مدح و منقبت آن حضرت می‌پردازند. شاعران زیادی در این راه گام برداشته از جمله می‌توان به پرتوی شیرازی (متوفی ۹۴۱)، خرده کاشانی (متوفی ۱۰۳۸)، اقدسی مشهدی (متوفی ۱۰۰۲)، میررضی‌الدین آرتیمانی (متوفی ۱۰۳۷) اشاره کرد. ساقی‌نامه‌ای که در ادامه خواهیم آورد یادگاری از میررضی‌الدین آرتیمانی از شعرای برجسته قرن یازدهم است. در ساقی‌نامه او مضامین عرفانی فراوانی به چشم می‌خورد و شاعر از خدا طلب می‌وحدت می‌نماید. هر چند بسیاری از مضامین مرسوم ساقی‌نامه‌ها که پیش از این نام بردیم مثلاً شکایت از روزگار و گذرا بودن آن و نیز بیان غم و رنج در آن مشاهده می‌شود. در این شعر از علی (ع) با تعبیری چون «دریاکش لجه کبریا»، «در صدف عرش»، «ساقی کوثر»، «شاه نجف» و «ساقی روز محشر» یاد می‌شود که بیشتر آن‌ها با فضای ساقی‌نامه تناسب دارد. بخش‌هایی از این ساقی‌نامه عبارت‌اند از:

الهی به مستان میخانهات	به عقل آفرینان دیوانهات
به دریـاکش لجه کبریا	که آمد به شأنش فرود آنـما
به‌دری که عرشست ویرا صدف	به ساقی کوثر به شاه نجـف
به نور دل صبح‌خیزان عشق	ز شادی به انده گریزان عشق [...]
به میخانه‌ی وحدتم راه ده	دل زنده و جـان آگاه ده

(آرتیمانی، ۱۳۴۶: ۱۸)

۲-۲. غدیریه‌سرایی

یکی از انواع شعر علوی، «غدیریه‌سرایی» است. در این نوع اشعار، بازتاب غدیرخیم در ادب فارسی جلوه می‌کند. حادثه‌ی غدیرخیم یکی از اساسی‌ترین باورهای تشیع است و نه تنها شعرای ایرانی در این زمینه گام برداشته‌اند؛ بلکه شعرای بزرگ عرب «از حستان بن ثابت و کمیت اسدی و دعبل خزایی گرفته تا سید حیدر حلی به حقانیت غدیرخیم گواهی داده و گاه با سرودن چکامه‌های فاخر و بلند و غدیریه‌های

رسا، گوی سبقت را از همگان ربوده‌اند» (صحتی، ۱۳۷۷: ۲۳۵). گویا قدیمی‌ترین نمونه شعر فارسی که در آن از امیر روز غدیر یاد شده، مربوط به دقیقی طوسی و منوچهری دامغانی است.

کیوس وار بگیرد همی به چشم آلوس بسان فرخ شهبها، امیر روز غدیر
(صحتی، ۱۳۷۹: ۲۶).

آهنی در کف چون مرد غدیر خم به کتف باز فکند و سر هر دو کم
(همان: ۳۱)

محمد صحتی سردودی در کتابی با نام *غدیربه‌های فارسی* (قرن چهارم تا چهاردهم) به گردآوری غدیربه‌های فارسی پرداخته که به جهت اختصار از تکرار آن می‌پرهیزیم. از نمونه‌های برجسته غدیربه سرایی می‌توان به اشعار ناصر خسرو، حسن کاشی، الماسی اصفهانی، قوامی رازی، هاتف اصفهانی، کسایب مروزی و ... اشاره کرد. نمونه‌ای از غدیربه‌های ناصر خسرو:

شرف مرد به هنگام پدید آید از او چون پدید آمد تشریف علی روز غدیر
بر سر خلق مر او را چو وصی کرد نبی این، به اندوه در افتاد از او، آن به زحیر
حسد آمد همگان را ز چنان کار از او برمیدند و رمیده شود از شیر، حمیر
او سزاید که وصی بود نبی را در خلق که برادرش بد و بن عم و داماد و وزیر
و در ادامه می‌سراید:

ای که بر خیره همی دعوی بیهوده کنی که فلان بودت از یاران، دیرینه و پیر
شرف مرد به علم است، شرف نیست به سال چه در آیی سخن یافه همی خیره بخیر؟
یافت احمد به چهل سالی مکانی که نیافت به نود سال ابراهیم، از آن عشر عشیر
علی آن یافت ز تشریف که در روز غدیر شد چو خورشید درخشنده در آفاق شهیر
(ناصر خسرو، ۱۳۴۸: ۱۹۴)

۳-۲. فتوت‌نامه‌ها

یکی دیگر از انواع شعر علوی، «فتوت‌نامه‌ها» است. آیین فتوت به پیش از اسلام باز می‌گردد. بعد از اسلام نیز در میان عرفا رواج پیدا کرد که اخلاق و منش جوانمردی را ترویج می‌کردند. از این رو فتوت‌نامه‌ها اختصاص به حضرت علی علیه السلام ندارد. برای مثال می‌توان در جنگ علی بن احمد نمونه‌ای از فتوت‌نامه را ملاحظه کرد که شاعری به نام سید عزی مروی آن را سروده است و در آن به بیان هشتاد و دو ویژگی اهل فتوت

اشاره کرده است (قرن نهم، برگ ۲۶۰ - ۲۶۳). از آن جا که عرفا، حضرت علی، علیه السلام را یکی از جوانمردان برمی‌شمردند فتوت نامه های متعددی به ایشان اختصاص پیدا کرده است که در آن به حدیث معروف «لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» استناد شده است. «علاءالدین دده سکتواری گفته است: چنان مبارزه و جنگ کرد که درباره وی گفته شد: «لافتی الا علی» و به دنبال گفته خود توضیح داده است: چون شمشیر مشهور به ذوالفقار از راه وصایت و وراثت به علی(ع) منتقل شد از طرف برگزیدگان و نیاکان این جمله بر سر مقامات افزوده شد: «لا سیف الا ذوالفقار.» گفته‌اند: ذوالفقار شمشیر منبه بن حجاج یا (عاص بن منبه) بود که به روز بدر کشته شد و آن شمشیر را رسول برای خویش برگزید و در غزوه احد به علی بن ابی طالب عطا فرمود.» (مدرسی، ۱۳۷۳: ۴۱۵) جوانمردی‌ها، ایثارها و فتوت حضرت علی در مسیر زندگی خویش، دست‌مایه شاعران و نویسندگان برجسته‌ای شده است تا از طریق آن حوادث به فتوت نگاری بپردازند. به عنوان نمونه در کتاب «کشف‌المحجوب»، این ایثار حضرت علی نشان از فتوت وی دانسته شده است:

چون علی - کرم الله وجهه - بر بستر پیمبر بخت و با ابوبکر از مکه بیرون آمدند و به غار اندر آمدند و آن شب کفار قصد کشتن پیغمبر داشتند خداوند تعالی جبرئیل و میکائیل را گفت: من شما را برادری دادم و یکی را زندگانی درازتر از زندگی دیگری گردانیدم کیست از شما دو که ایثار کند مر برادر خود را بر خود به زندگانی و مرگ مر خود را اختیار کند؟ هر دو خود را زندگانی اختیار کردند. خداوند تعالی به جبرئیل و میکائیل گفت: شرف علی بدیدند و فضلش بر خود که میان وی و از آن رسول خود برادری دادم. وی قتل و مرگ خود اختیار کرد و بر جای بخت و جان فدای پیغمبر کرد و زندگانی بر وی ایثار کرد به هلاک خود، آنکه این آیه آمد در شأن وی: «و من الناس من یشتری نفسه ابتعا مرضات الله و الله روف بالعباد» (هجویری، ۱۳۵۱: ۲۴).

سنایی در شعر خود به جوانمردی حضرت اشاره دارد:

آمد از سدره جبرئیل امین	لافتی کرد مر ورا تلقین
ذوالفقاری که از بهشت خدای	بفرستاده بود شرک‌زدای
آوریدش به نزد پیغمبر	گفت کاین هست بابت حیدر
تا بدو دینت آشکار کند	لشکر کفر تار و مار کند
مصطفی داد مرتضی را گفت	که بدین آر دین برون ز نهفت

(سنایی، ۱۳۶۸: ۲۴۷)

یکی از این فتوت‌نامه‌ها، **فتوت‌نامه سلطانی** است. صاحب فتوت‌نامه سلطانی می‌نویسد: «به حکم قرآن و حدیث، جوانمردان پنج تن بوده‌اند: ۱. ابراهیم خلیل‌الله؛ ۲. یوسف صدیق؛ ۳. یوشع بن نون؛ ۴. اصحاب کهف؛ ۵. سردار احرار علی مرتضی (مدرسی، ۱۳۷۳: ۴۰۹)، یا عطار سخاوت آن حضرت را نشان فتوتش می‌داند و می‌گوید سخاوتش به حدی بود که بعد از سه روز روزه داری طعام به سائل داد و این آیه در شان او نازل شد «و يطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیمنا و اسیرا» (قرآن: ۷۶/۸)

لافتی الا عیش از مصطفاست وز خداوند جهانش هل اتی است
از دو دستش لافتی آمد پدید وز سه قرصش هل اتی آمد پدید
آن سه قرص او چون بیرون شد به راه سرنگون آمد دو قرص مهر و ماه
(عطار، ۱۳۶۴: ۳۵)

۴-۲. جنگ‌نامه‌ها

یکی از انواع شعر علوی، «جنگ‌نامه» است که این جنگ‌نامه‌ها بیشتر با زبان حماسی و در قالب مثنوی سروده شده‌اند. در این نوع اشعار، شعرا به بیان جنگاوری‌ها، دلاوری‌ها و شجاعت حضرت علی، علیه السلام، می‌پردازند و به وصف جنگ‌های ایشان، چه جنگ‌هایی در زمان حیات پیامبر و چه جنگ‌هایی که بعد از رحلت ایشان، در زمان خلافتشان شرکت کردند؛ نظیر جنگ جمل، صفین و غیره می‌پردازند. این نوع شعر علوی، یعنی «جنگ‌نامه سرایی» زیاد مورد توجه واقع نشده و برخلاف حجم بالای آثاری ازین دست چه قبل از قرن دهم و چه بعد از آن، نسخ خطی چندی در کتابخانه‌های ملی، مجلس و آستان قدس رضوی دیده می‌شود که هنوز تصحیح نشده‌است؛ از جمله:

- نسخه خطی جنگ‌نامه امیرالمؤمنین به شماره ۵۳۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ از محمد قاسم، مربوط به سده یازدهم که اشاره به جنگ جمل دارد؛

- نسخه خطی جنگ‌نامه علی یا غزوه المجاهدین به شماره ۸۱۸ کتابخانه مجلس شورای اسلامی از محمد قاسم، مربوط به سده یازدهم؛

- نسخه خطی جنگ‌نامه علی با ابوجهل به شماره ۱۰۰ کتابخانه عمومی لنین شهر مسکو، مربوط به سده سیزدهم؛

- جنگ‌نامه فارغ گیلانی به ش ۱۲۱۰۵۵۸ کتابخانه مجلس شورای اسلامی از فارغ گیلانی، مربوط به سده دهم؛

- جنگ‌نامه به شماره ۹۹۵۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی (اشعار متفرقه) مربوط به سده نهم.

اما فارغ ازین نسخ خطی یکی از کتاب‌هایی که می‌توان در ذیل جنگ‌نامه‌ها قرار داد، کتاب **خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی** است که در ۲۲۵۰۰ بیت به تقلید از شاه‌نامه در قرن نهم سروده شده است. «**خاوران‌نامه** یا **خاورنامه** داستان جنگ‌ها و دلاوری‌های حضرت علی(ع) و یاران آن حضرت مانند؛ مالک اشتر، ابوالمحن، عمروبن معدی کرب، عمروبن امیه که نام‌های آنان در جنگ‌های صدر اسلام و جهان‌گشایی‌های خلفا مکرر آمده و به گوش شیعیان آشناست. **خاوران‌نامه** شامل جنگ‌های حضرت علی(ع) و سرداران آن حضرت است با قباده نام، شاه خاوران و دیگر پادشاهان بت‌پرست، مانند طهماسب شاه و صلصال شاه. این جنگ‌ها برای ترویج اسلام و برانداختن کفر در خاور بر پا شده است. **خاوران‌نامه** منظوم را ابن حسام در بحر متقارب مثنی مقصور یا محذوف- همان بحر **شاهنامه** فردوسی- به نظم آورده است و روایت منثور آن کتابی است از قبیل رموز حمزه و نظایر آن. چون هدف این داستان‌ها، تحکیم ایمان مردم و برانگیختن حس تحسین شیعیان و دوستداران آل علی(ع) بوده است، بنا به پسند عوام در آن روزگار، همیشه صحت روایات تاریخی مورد نظر نبود، بلکه در آن‌ها، گاه سخن از جنگ با اژدها و دیو و جن می‌رود و نیز حوادث خیالی که معمولاً لازمه‌ی آثار حماسی است، در حواشی مطالب تاریخی دیگر هم نقل شده است، همچنان که نظایر این حوادث بارها در **اسکندرنامه** دیده می‌شود. ازین گذشته، به باور عام سده‌ی نهم، اژدها و سایر موجودات افسانه‌ای شاید در زمره‌ی واقعیات قطعی و مسلم به حساب می‌آمد. این موجودات که غالباً مظهر شر نیز بودند، طبیعی بود که می‌بایست به دست نیکن پروردگار از پای درآیند.» (برگرفته از مقدمه خوسفی، ۱۳۸۱: ۱۹-۲۲) ابن حسام می‌گوید: موضوع منظومه‌ی حماسی خود را از کتاب‌هایی به زبان عربی گرفته است:

چو بر سال هشتصد بیفزود سی شد این نامه تازیان پارسی

مر این نامه را خاوران نامه نام
 به پای آمد این نامه پایدار
 پس از من بر آید بسی روزگار
 نهادم بدان گه که کردم تمام
 بر نامداران ز من یادگار
 که زنده است او را بدین نامه نام
 (خوسفی، ۱۳۸۱: ۲۱)

«شماری را عقیده بر آن است که گویا این افسانه‌ها ریشه و اساس کهن ایرانی داشته، سپس با تغییراتی که در آن‌ها داده شده، به حضرت امیر منسوب شده است» (مقدمه خوسفی، ۱۳۸۱: ۲۲). *خاوران نامه* ابن حسام خوسفی چنین آغاز می‌شود:

نخستین برین نامه دل‌گشای
 خداوند هوش و خداوند جان
 یگانه خداوند بالا و پست
 سپهر و زمین و زمان آفرین
 خرد بخش اندیشه تیزگام
 فروزنده‌ی شمع گیتی فروز
 نگارنده‌ی خال مشکین شام
 رصدبند طاق و رواق سپهر
 سخن نقش بستم به نام خدای
 خداوند بخشنده مه‌ربان
 گوا بود بر هستیش هر چه هست
 دل و دانش و هوش و جان آفرین
 گشاینده ذهن چابک‌خرام
 فرازنده پورده سیم دوز
 برآرنده صبح از ایوان بام
 فروزنده انجم و ماه و مهر
 (همان: ۳۶)

پس از حمد و ثنا و مناجات، به نعت رسول اکرم و آل گرامی‌اش، علیهم الصلوه و السلام می‌پردازد و در توصیف آثار قدرت پروردگار، تمام فصول و ماه‌ها را یک به یک با شرح و بسط تمام بیان می‌کند. پس از ذکر مقدمات، به آغاز کتاب و داستان اصلی «*خاوران نامه*» یعنی جنگ‌ها و مأموریت‌های جنگی هر یک از دلاوران اسلام، می‌پردازد.

اشعار حماسی دیگری در گستره‌ی شعر علوی سروده شده که می‌توان آن را در ذیل نوع «جنگ‌نامه سرایی» قرار داد. در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱-۴-۲. *علی نامه*

از قرن پنجم هجری منظومه‌ای شیعی به‌جای مانده که *علی نامه* نام دارد. این منظومه از شاعری گمنام متخلص به ربیع است که به سبک *شاهنامه فردوسی* و در همان بحر و تنها بعد از پنجاه سال از تولد *شاهنامه* در ذکر رشادت‌ها و دلاوری‌های امیرالمؤمنین و

جنگ‌های آن حضرت سروده شده است هر چند در الحاقی بودن بخشی از ابیات آن تردید وجود دارد. این حماسه دینی بنا بر باورهای مردم عامه شیعه است که «ربیع» آن را با طبعی شاعرانه و نه حرفه‌ای سروده است. از نظر محتوا این حماسه دینی، ترکیبی از تاریخ، قصه و عناصر فرهنگ عامه است.

۲-۴-۲. حمله حیدری

حمله حیدری نام چندین منظومه حماسی است که در شرح دلاوری‌ها و غزوات حضرت علی، علیه السلام و حضرت محمد سروده شده است. معروف‌ترین آن‌ها «حمله حیدری» باذل مشهدی در قرن یازدهم و **حمله حیدری** راجی کرمانی در قرن سیزدهم است.

۳-۴-۲. خیبرنامه

ماجرای گشوده شدن در خیبر از وقایع بسیار مهمی است که مورد توجه بسیاری از شاعران از جمله مولانا شده است. خیبرنامه‌ها نام اشعار و یا منظومه‌های حماسی است که به ماجرای جنگ خیبر و کنده شدن در خیبر اشاره دارد. منظومه‌ای مستقل به این نام در کتابخانه آستان قدس رضوی با نام **خیبرنامه جامی** به شماره (۱۶۵۶۳) دیده شده که هنوز تصحیح نشده است. گاه شاعر در یک قصیده یا مثنوی چند بیتی، به شرح این ماجرا می‌پردازد. برای مثال وحشی بافقی در منظومه «ناظر و منظور» در ابیاتی به بیان این واقعه می‌پردازد:

در آن دم کز پی تسخیر خیبر	ز کین گشتند یاران حمله آور
به اول ساز رسم جنگ کردند	در آخر ترک نام و ننگ کردند
هزیمت ریخت در ره خار غمشان	وزان بشکفت گل‌های المشان
که بود آن کس که سلطان رسالت	گل نوخیز بستان رسالت
به عزم فتح با او کورد همراه	لوائی نصرت «نصر من الله»
ز منقارش دو انگشت همایون	ز پای فتح خار آورد بیرون
که تابد غیر از او خیبر گشودن	دری آن طور از خیبر ربودن
در علم نبی غیر از علی کیست	ز هستی مدعا غیر از علی چیست
	(وحشی بافقی، ۱۳۴۷: ۴۲۶)

۵-۲. ترجمه سروده‌ها

منظوم کردن سخنان حضرت علی(ع) به خصوص کلمات و خطبه‌های کتاب برجسته **نهج البلاغه** از دیرباز چه در اشعار مستقل و چه در ضمن سروده‌های دیگر دیده می‌شود. ترجمه‌هایی که گاه به طور ضمنی در اشعار شاعران دیده می‌شوند بسیار فراوانند و ما در این جا تلاش می‌کنیم بیشتر به ترجمه سروده‌های مستقل بپردازیم. تنها به ذکر نمونه‌ای از شعر محمدبن وصیف اکتفا می‌کنیم که یادآور این کلام گهربار مولا علی(ع) است که «إذا كان القدر لا يرد فلاحتراس باطل».

هر چه بگردیم بخواهیم دید سود ندارد ز قضا احتراس
(لازار، ۱۳۴۱: ۱۵)

کهن‌ترین ترجمه سروده مستقل فارسی از کلام علوی را ترجمه منظوم وصیت امام علی(ع) به امام حسین(ع) دانسته‌اند که سروده سید حسن غزنوی ملقب به اشرف (متوفی ۵۵۶ هجری قمری) است که در ۱۰۱ بیت سروده است (ر.ک: بشری، ۱۳۸۹). آغاز این منظومه چنین است:

کردم آغاز این به نام خدای	هم عطابخش و هم خطابخشای
گفت سلطان اولیا به حسین	کای دلارام جان و قره عین
گوش می دار جانب یزدان	در همه حال آشکار و نهان
راست گوی ای نگار مردم چشم	در نسیم رضا و آتش خشم
	(بشری، ۱۳۸۹: ۵)

رشیدالدین وطواط از شعرای قرن ششم نیز، یکی از کسانی است که در این راه گام برداشته است. وی توانسته برخی از سخنان کوتاه منسوب به خلفای راشدین را به شعر فارسی برگرداند. از آن جمله ترجمه‌ی صد سخن کوتاه از امام علی(ع) است. نوشته‌اند: «جاحظ، ادیب معروف تازی، در نیمه اول قرن سوم هجری صد کلمه از کلمات علی(ع) را انتخاب کرد و از خود به یادگار گذاشت. سال‌ها پس از او رشید وطواط، شاعر و ادیب مشهور ایرانی در قرن ششم هجری، همان صد کلمه را به تازی و پارسی شرح کرد و با آوردن دو بیت شعر در همان مضمون رساله‌ای به نام **مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب** تصنیف نمود. پس از جاحظ و وطواط، این کار، یعنی انتخاب مجموعه‌ای از احادیث پیامبر اسلام و کلمات

علی(ع) و نیز شرح کردن و به نظم در آوردن آن- به همت ادیبان و شاعران متعددی دنبال شد و در طول سال‌ها گنجینه‌ی سرشاری را پدید آورد (وطواط، ۱۳۶۵: ۹)؛ برای نمونه:

کلمهٔ اول: «لو کشف الغطا ما ازددت یقینا»: «اگر پرده‌ها کنار رود بر یقین من افزوده نمی‌شود».

حال خلد و جحیم دانستم	به یقین آن چنان که می‌یابد
گر حجاب از میانه برگیرند	آن یقین ذره‌ای نیفزاید
	(وطواط، ۱۳۶۵: ۶۵)

در ادب معاصر نیز می‌توان به کتاب «نهج‌البلاغه منظوم»/ امید مجد اشاره کرد. به عنوان مثال، در خطبه نهم درباره پیمان‌شکنان می‌گوید:

گر چه خود دارند وحشت‌ها به دل	پای جرئتشان فرورفته به گل
باز هم گه‌گاه جـولانی دهند	غرضی آرند و پای می‌نهند
شیوهٔ ما لیک باشد غیر از این	راه ما این نیست بر روی زمین
تا نغلطانیم دشمن را به خاک	تا نگردانیم ایشان را هلاک
	(مجد، ۱۳۸۸: ۲۳)

۶-۲. ولایت‌نامه‌ها

یکی دیگر از انواع شعر علوی، «ولایت‌نامه‌سرایی» است. در این نوع شاعر ابتدا به مدح و ثنای حضرت می‌پردازد و به فضائل و مناقب ایشان، اشارت می‌کند و در اثنای کلام به سبب محبت و دوستی و ولایت ایشان به خود می‌بالد و از خدا می‌خواهد به واسطه‌ی شفاعت حضرت علی، او را در روز قیامت ببخشد. مضمون اصلی «ولایت‌نامه‌ها» که معمولاً توسط مناقب و درویشان در کوچه و بازار خوانده می‌شد، افتخار به محبت و عشق به حضرت امیرالمؤمنین، علی، علیه‌السلام است. البته شاعر در ولایت‌نامه‌ها به جهت اثبات ولایت حضرت علی، علیه‌السلام به نقل حکایتی از کرامات و یا معجزات ایشان می‌پردازد که این اشارات بر لطف اشعار می‌افزاید. در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه خطی‌ای به ش ۳۲۵۸ وجود دارد که در آن چند ولایت‌نامه از شاعران گمنام شیعی نظیر؛ *رواسی*، *سیدعلی*، *شمسک* و.... دیده می‌شود.

شعر زیر نمونه‌ای از ولایت‌نامهٔ شاعر گمنام شیعی، *رواسی* است. در جنگ ۳۵۲۸ دانشگاه تهران که متعلق به قرن نهم است ازین شاعر نام برده شده است.

بنازم از دل و جان به حیدر کرار
شجاع مشرق و مغرب پناه لشکر دین
سر سفینه جود و در مدینه علم
نخورده خمر و نکر ده زنی نه باخته نرد
زهی علی و زهی بوالحسن زهی حیدر
زهی علی که تو را مصطفی برادر خواند
بلند گشت مرا جایگاه در دو جهان
به مدح آل محمد اگر بنازم من
یزید کافر ملعون سگ چه کس باشد
وصی و بن عم و داماد احمد مختار
کننده در خیبر و قاتل الکفار
امین جاه محمد قسیم جنت و نار
نسبته او به میان هم چو دیگران زنار
زهی امام و زهی سرور و زهی سالار
زهی برادر جعفر زهی سپه سالار [...]]
به مدح شاه ولایت بدین سخن گفتار
مرا لقب منه‌ای خواجه را فضی زنه‌ار
که با من از قبل وی همی کنی پیکار
(علی بن احمد، ۹ق: گ ۱۲۶)

۷-۲. اشعار مدحی و منقبتی

یکی از مهم‌ترین انواع شعر علوی، اشعار منقبتی است. که بخش اعظمی از ادبیات آیینی را از قرن چهارم تا زمان معاصر دربرمی‌گیرد. در این نوع، شاعر فضائل حضرت علی(ع) را مهم‌ترین دست‌مایه خود برای پرکردن محتوا و مضامین اشعار قرار می‌دهد. اما این منقبت سرایی خود در گستره‌ی زمان و زبان فارسی فراز و فرودهایی را پشت سر می‌گذارد و در هر دوره تاریخی با توجه به شرایط سیاسی و فرهنگی اجتماع، در شکل دیگری خود را نشان می‌دهد. به طور کلی دو نوع شعر منقبتی می‌توان در نظر گرفت: اشعار منقبتی ضمنی و اشعار منقبتی صریح.

۷-۲-۱. اشعار مدحی ضمنی

در این نوع شعر مدحی که فرورترین نوع شعر منقبتی علوی است، شاعر به بیان صفات و فضایل حضرت علی(ع) می‌پردازد؛ اما هدف او مدح و ثنای حضرت امیر نیست؛ بلکه در این نوع فقط از صفات ایشان چه در شجاعت و چه در کرامت که در میان مردم شهره است، بهره می‌جوید تا ممدوح خویش را بدین گونه برتری بخشد؛ یعنی در اصل، نه تنها به توصیف حضرت پرداخته، بلکه صفات حضرت فقط مشبه‌به آن توصیف می‌باشند و در یک نگاه زیرکانه حتی گاهی خروج از حرمت‌ها صورت می‌گیرد و ممدوح را بالاتر از حضرت علی می‌داند. این‌گونه اشعار را می‌توان در مدایح/انوری و امیر معزی در قرون پنجم و ششم دید.

امیر معزی در مدح شمشیر ممدوح خود چنین می‌گوید:

تویی ز بهر نصرت اسلام و قهر کفر تو حیدری و تیغ تو شمشیر حیدرست
واندر زمانه قصه و اخبار فتح تو معروف‌تر ز قصه و اخبار خیبرست
(امیر معزی، ۱۳۱۸: ۹۷)

۲-۷-۲. اشعار منقبتی صریح

در این نوع شعر شاعر با هدف مدح و منقبت مولا به بیان فضایل و خصال والای آن حضرت می‌پردازد. در این نوع هم شاعران شیعه و هم اهل تسنن آثار فراوانی خلق کرده‌اند با این لحاظ که متناسب با دیدگاه‌های کلامی و مذهبی خود در وصف و مدح حضرت گاه تفاوت‌هایی را ملاحظه می‌کنیم.

الف) اشعار مدحی شاعران اهل تسنن

کم نبودند شاعران بزرگ و با معرفتی چون مولانا که با وجود گرایش فکری به اهل تسنن زیباترین مدایح را در شأن علی (ع) سروده‌اند. این شاعران ضمن معرفی ایشان به عنوان خلیفه چهارم بیشتر بر روی فضایل اخلاقی، جوانمردی و شجاعت آن حضرت تأکید دارند. برای نمونه این شعر را نقل می‌کنم.

از علمی آموز اخلاص عمل شیر حق را دان مطهر — از دغل
در غزا بر پهلوانی دست یافت زود شمشیری بر آورد و شت — صافت
او خدو انداخت بر روی علمی افتخار هر نبی و هر ولی — [...]
در زمان انداخت شمشیر آن علی کرد او اندر غزایش کاهلی —
(مولوی، ۱۳۷۳: ۲۲۵/۱)

اسماعیلیه بنا بر باورهای کلامی خود جایگاه خاصی برای علی (ع) قائل هستند. از این رو این نوع شعر مدحی، در شعر شاعران پیرو اسماعیلیه مانند ناصر خسرو و نزاری قهستانی قابل مشاهده است. ناصر خسرو در دیوان خود بارها و بارها به مدح مولا می‌پردازد و از فضل ایشان در مقایسه با سایر خلفا سخن می‌گوید. «دیدگاه فلسفی تصفیه شده و متعادل اسماعیلیه در کلام ناصر خسرو کاملاً منعکس است و از افراط غلات شیعه که امام را به مقام خدایی می‌رسانند، اثری در اشعار وی به چشم نمی‌خورد؛ ولی بر مقام امام به عنوان کسی که به اسرار غیب آگاه است و مفاهیم باطنی و نهفته قرآن را در می‌یابد، تأکید بسیار دارد (کدخدایی، ۱۳۷۴: ۳۰). اسماعیلیه متناسب با عقاید خود بر روی علم و به ویژه علم تأویل تأکید فراوان دارند ازین رو در وصف و منقبت علی علیه السلام با تمسک به حدیث معروف نبوی «انا مدینه العلم و علی بابها» بر روی علم آن حضرت به تأویل و باطن آیات

تأکید می‌کنند. از مبانی و اصول اعتقادی اسماعیلیان دید بسیار منفی ایشان نسبت به غاصبان خلافت آشکار است. همین طور تأکید اسماعیلیه بر روی جانشینی آن حضرت و اصل ولایت موجب شده است ناصر خسرو شاعر برجسته این فرقه دیدگاه‌های تندی را بر علیه ناصبی‌ها و غاصبان خلافت در اشعارش اتخاذ کند. در نظر وی تن دادن به خلافت مفصول گناهی نابخشودنی است، در حالی که علی(ع) در علم به قرآن، سنت رسول الله و مصالح سیاسی و اجتماعی مسلمانان افضل و اصلح است، پس از آن حضرت نیز امامت، حق آن دسته از فرزندان ایشان است که از نسل فاطمه(س) می‌باشد. بخشی از شعر علوی ناصر خسرو را می‌خوانیم:

راه بنمایم تو را گر کبر بندازی ز دل	جاهلان را پیش دانا جای استکبار نیست
همچنان کاندر گزارش کردن فرقان به خلق	هیچ کس انباز و یار احمد مختار نیست
همچنان در قهر جباران به تیغ ذوالفقار	هیچ کس انباز و یار حیدر کرار نیست
اصل اسلام این دو چیز آمد قرآن و ذوالفقار	نه مسلمان و نه مشرک را درین پیکار نیست
همچنان کاندر سخن جز قول احمد نور نیست	تیز تیغی جز که تیغ میر حیدر نار نیست
احمد مختار شمس و حیدر کرار نور	آن بی این موجود نی و این بی آن انوار نیست
هر که نور آفتاب دین جدا گشته است ازو	روزهای او همیشه جز شبان تار نیست
چشم سر بی آفتاب آسمان بی کار گشت	چشم دل بی آفتاب دین چرا بی کار نیست؟
بر سر گنجی که یزدان در دل احمد نهاد	جز علی گنجور نی و جز علی بندار نیست
وانکه یزدان بر زبان او گشاید قفل علم	جز علی المرتضی اندر جهان دیار نیست

(ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۳۱۳-۳۱۴)

ج- اشعار مدحی شاعران اثناعشری

در این نوع شعر منقبتی، ضمن این که عشق و محبت نسبت به حضرت علی و فرزندان او در اوج کمال است و بر حقانیت جانشینی آن حضرت بعد از نبی اکرم تأکید می‌شود ملاحظه می‌کنیم که این عشق و محبت نسبت به سایر ائمه شیعه به ویژه حضرت رضا (ع) و حضرت مهدی(عج) جلوه‌ای خاص دارد که آن را از شعر شیعیان هفت امامی متمایز می‌سازد. همین طور همسری فاطمه زهرا (س) و دامادی رسول اکرم (ص) که از فضایل برجسته و خاص آن حضرت است در این اشعار نمود دارد. با توجه به تغییر شرایط اجتماعی بعد از صفویه شعر مدحی شیعیان اثناعشری و موقعیت شاعران کاملاً تغییر کرد. شاعر قبل از عصر صفوی در برابر شعر خویش معمولاً از طرف دربار و یا حکومت نه تنها صله دریافت

نمی‌کرد بلکه ممکن بود سرایش چنین اشعاری با توجه به شرایط سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و حاکمان وقت که شیعی نبودند تهدیدی برای جان او و خاندانش باشد. چنانکه در این زمان مناقب خوانانی بودند که در ازای منقبت حضرت، زبان ایشان را بریدند و یا لبان آن‌ها را دوختند. در کتاب «**لنقضاز** قطع زبان بوطالب مناقبی از مناقب خوانان شیعه در روزگار سلجوقیان گزارش شده است» (محلّاتی، ۱۳۹۰: ۲۶) و البته مناقب خوانانی نیز با لقب اقطع زبان در کتب تاریخی نظیر حمزه کوچک ورامینی دیده می‌شود که شاید او نیز قربانی این حوادث باشد. اما بعد از روی کار آمدن صفویان، شعرا در سایه‌ی یک حکومت شیعی و در آزادی تمام به مدح و منقبت می‌پرداختند و خود این سبب شد هم شاعران علوی از جایگاه بهتری در اجتماع برخوردار شوند، تعدادشان افزونی گرفت و در شعر شیعه ابعاد جدیدی از مراثی و منقبت دیده شد. یکی از چهره‌های برجسته این دوره محتشم کاشانی است که علاوه بر سرایش مداخل علوی، در عرصه شعر عاشورایی به اوج قله مرثیه دست یافت و شعر جاودانه خود را موسوم به «کربلانامه» سرود. از شاعران دیگر این گروه می‌توان از سلیمی تونی (متوفی ۸۵۴) کمال غیاث شیرازی (متوفی ۸۳۸) و حسن کاشی (ق ۸) نام برد.

۸-۲. دیوانه سرایی

یکی دیگر از انواع شعر علوی، «دیوانه سرایی» است. در این نوع شعری، اشاراتی به ارتباط حضرت علی، علیه السلام، با عناصری نظیر؛ اژدها، دیوان، شیران و مارها دارد. تا این زمان منظومه‌ای مستقل به نام «دیوانه» دیده نشده است؛ اما در اثنای اشعار علوی، اشعاری در قالب‌های مختلف با عناوینی نظیر «ولایات دیوانه مرتضی علی» وجود دارد. ارتباط حضرت با دیوان در اشعار گاه به صورت مثبت مطرح می‌شود- بدین گونه که دیوان نزد حضرت می‌آیند و مشکلات خود را مطرح می‌کنند و ایشان از کار و مشکلاتشان گره‌گشایی می‌کنند. نظیر بخشی که در «حمله حیدری» راجی کرمانی نقل شده عبارت است از: آمدن دیوی دست‌بسته نزد پیامبر و گشودن امام علی دست او را و اسلام آوردن آن دیو (رزمجو، ۱۳۸۸: ج ۱. ۲۴۱) همین داستان را شاعری به نام ناطق شیرازی در جنگ علی بن احمد به نظم کشیده است. (ق ۹: برگ ۲۵۵) اما ارتباط حضرت با دیوان در اشعار گاهی به صورت جدال و مبارزه مطرح می‌شود. در اشعاری حضرت به مبارزه با دیوان و ماران و شیران می‌پردازند و گویی در این اشعار به‌نوعی جایگزین قهرمان ملی، رستم داستان در قصه‌های کهن ایرانی می‌شوند. داستان دشت ارژنه هم که مربوط به سلمان و شیر و امام

علی (ع) از افجنگی است در همان جنگ علی بن احمد به نظم کشیده شده است و روایتگر مبارزه حضرت با یکی از این شیران است.

ای مؤمن موحد دانای باخبر
استاد این حدیث ز سلمان فارسی
هنگام هفت‌سالگی مرتضی علی
روزی نشسته بد اسدالله مرتضی
هفت‌ساله بود یا کم‌وبیش مرتضا
آن شیردل که در همه کاری به پردگی
سلمان به پای غرفه همی دوخت خرقة را
زد بر وجود سلمان یک دانه زان علی
سلمان ز خشم تافته شد گفت یا علی
بازی مکن که بی‌خردی نیست کار تو
من پیرم و تو کودک هم‌سال من نه ای
اندر غضب شد شه مردان ازین سخن
گفتش علی بگو خبر از دشت ارزنه
کردی مگر فراموش احوال دشت ارزن
از حال دشت ارزنه برگو حکایتی
سلمان بگفت ما را کانجا نشانه‌ای است
(علی بن احمد، ق ۹: برگ ۸۵)

۹-۲. ترانه‌های علوی

نام امام علی (ع) در ترانه‌های عامیانه و فولکلوریک که به هنگام کار و فعالیت، به هنگام غم و شادی زمزمه می‌شوند جایگاه ویژه‌ای دارد و روح امید و عشق و ایمان را در عامه مردم تقویت می‌کند. وجدانی در مقاله خود این ترانه‌ها را بر اساس کاربرد آن‌ها که بی‌شک بر روی محتوای آن‌ها تأثیرگذار است، دسته‌بندی کرده است. از جمله کاربرد آن‌ها در هنگام کشاورزی در مراحل نشا کردن، درو کردن و پیمانه کردن گندم، ترانه‌های زمان صید و دریا، ترانه‌های زمان لایروبی جوی و قنات‌ها، ترانه‌های زمان بنایی، لای لایی، عروسی، نغمه‌های نوروزی و زورخانه‌ای است (ر.ک ۱۳۸۰: ۷۴-۷۷) احمد پناهی سمنانی در مقاله خود موارد دیگری از ترانه‌های علوی را ذکر می‌کند از جمله عاشقانه‌ها، حقیقی‌ها

که به مدح و منقبت اولیای دین از جمله مولا علی (ع) می پردازد (ر.ک ۱۳۸۳: ۷۴-۷۹) در همه این ترانه‌ها سادگی عبارات و مضامین امیدبخش همراه با باورها و اعتقادات شیعیان ملاحظه می‌شود. برخلاف انواع دیگر شعر علوی این ترانه‌ها زبانی عامیانه دارند که هم در سطح واژگان و هم در سطح محتوا ساده و کم پیرایه است. از تلمیحات و توصیفات و صنایع پیچیده در آن خبری نیست. زبان آن‌گاه کهنه و گاه با لهجه‌های محلی است، هنجار گریزی واژگانی و نحوی در آن‌ها ملاحظه می‌شود. نمونه‌ای از عاشقانه را در این جا می‌خوانیم:

به قــــرآنی که خطش ناشماره	به مولایی که تیغش ذوالفــــقاره
سر از ســــودای عشقت برندارم	که تا دین محمــــد پایداره
ولم تا تو نیایی مــــو نخدم	نه سرمه چش کنم نه ســــر ببندم
قسم خوردم سر شاه ولایــــت	به جای اسب شاهی خــــر نبندم

(همان: ۷۵)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تقسیم‌بندی مجموعه سروده‌های علوی که بسیاری از آن‌ها هنوز ناشناخته مانده است به انواع ادبی می‌تواند ما را در شناخت و معرفی و تحلیل آن‌ها یاری برساند. انواع ادبی در ادبیات فارسی هنوز منقح و مشخص نیستند و نیازمند بازنگری جدی هستند. از جمله اشکالات آن این است که در بعضی از این انواع محتوا و در برخی دیگر قالب و وزن ملاک تعریف و تحدید قرار می‌گیرند و زبان اثر نیز لحاظ نشده است. در این تحقیق مبنای تقسیم بندی از انواع ادبی در شعر علوی محتوای اشعار هستند که حوزه و موضوع خاصی را شامل می‌شوند. در گذشته گاه شعر و یا مجموعه اشعاری که دارای یک موضوع بودند بر اساس همین محتوا و موضوع نامیده می‌شدند که به مرور به صورت یک سنت ادبی در میان شاعران رایج می‌شد و امروز به عنوان یک نوع ادبی معرفی می‌شوند. با مروری که بر اشعار علوی انجام شد توانستیم تا کنون ده نوع آن را شناسایی و در این مقاله معرفی کنیم که البته بعضی از این انواع مثل ساقی نامه و فتوت نامه پیش ازین معرفی شده‌اند و برخی برای نخستین بار در این مقاله به عنوان یک نوع ادبی پیشنهاد می‌شوند. بدیهی است این انواع با گسترش مطالعه در مجموعه‌های ناشناخته شعر علوی قابل بسط و گسترش خواهد بود. ده نوعی که در این مجال به معرفی آن‌ها پرداختیم عبارت‌اند از: (۱) ساقی‌نامه‌ها که هر چند در شعر علوی خلاصه نمی‌شوند و بسیار گسترده‌ترند اما به دلیل روایتی که در آن علی (ع) به عنوان ساقی کوثر معرفی شده‌اند در شعر علوی برجستگی خاص دارد. نمونه‌ای از شعر

رضی‌الدین آرتیمانی به همراه ویژگی‌های محتوایی آن ذکر شد. ۲) غدیریه سرایی، نوع ادبی که اختصاص به شعر علوی دارد و به دلیل اهمیت این واقعه در تاریخ اسلام، هم در ادبیات فارسی و هم در ادبیات عرب پیشینه طولانی دارد. ۳) فتوت نامه‌ها، آیین فتوت پیش از اسلام نیز رایج بوده است و فتوت نامه‌هایی مثل فتوت سید عزی مروی در جنگ علی بن احمد به بیان ویژگی‌های اهل فتوت پرداخته است. در قرن اول هجری به استناد قول «لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» شاعران فتوت نامه‌هایی در آیین فتوت و جوانمردی علی (ع) سروده‌اند. ۴) جنگ نامه‌ها، نوعی حماسه مصنوع هستند که به توصیف جنگ‌های حضرت امیر(ع) می‌پردازند. جنگ نامه‌های بسیاری سروده شده‌اند که هنوز ناشناخته مانده‌اند که در متن تعدادی از آن‌ها معرفی شد. بر اساس این تحقیق، سه نوع علی نامه، خیبر نامه و حمله حیدری را می‌توان در جنگ نامه‌ها ملاحظه نمود. در جنگ نامه‌ها متناسب با فضای حماسی ممکن است شاعر به مطالب و ماجراهایی بپردازد که تاریخی نیست و با افسانه‌ها و باورهای عامیانه پیوند خورده است. ۵) ترجمه سروده‌ها که شامل سروده‌هایی است که کلمات قصار، خطبه‌ها و حتی ادعیه منقول از امام علی (ع) به فارسی برگردانده و منظوم شده‌اند. نمونه‌هایی از ترجمه سروده‌ها از رشیدالدین وطواط و سید حسن غزنوی ذکر شد. ۶) ولایت نامه‌ها، در ولایت نامه‌ها هم شاعر به مدح و منقبت علی (ع) می‌پردازد با این لحاظ در ولایت نامه ماجرای کرامات و معجزات آن حضرت بیان می‌شود. مرسوم بوده است که ولایت نامه‌ها را مناقب خوانان و درویشان در کوی و بازار می‌خواندند. ۷) اشعار مدحی و منقبتی، در این اشعار فضایل و مناقب آن حضرت به دو گونه صریح و مستقل و یا ضمنی بیان می‌شوند. سه گروه شاعران اهل تسنن، شاعران شیعه هفت امامی و دوازده امامی متناسب با دیدگاه‌های کلامی و مذهبی خود سروده‌هایی در مدح آن حضرت دارند که برخی از ویژگی‌های آن‌ها اشاره کردیم. ۸) دیونامه سرایی که در آن ماجراهایی مربوط به امام علی (ع) نقل می‌شود که در آن‌ها اژدها، دیوان، شیران و مارها حضور دارند. در منظومه‌های علوی گاه بخش‌هایی با عنوان «دیونامه مرتضی علی» وجود دارد اما هنوز منظومه مستقلی با این عنوان که به شعر علوی مربوط شود نیافتیم. ۹) ترانه های علوی، محتوای این ترانه‌ها به نوعی به کار و فعالیت روزانه و زندگی مردم عادی مربوط می‌شود و به آن‌ها روح امید و عشق به زندگی می‌بخشد. در باره ویژگی‌های زبانی و شعری آن‌ها با ذکر نمونه صحبت شد. با مروری بر اشعار علوی می‌توان علاوه بر اشارات تاریخی، به اعتقادات دینی و کلامی و مذهبی و نیز باورهای عامیانه در باره شخصیت حضرت علی (ع)

را مشاهده کرد که برخاسته از معرفتی عمیق و یا ارادت قلبی کم‌نظیر دوستداران آن حضرت در طول قرون و اعصار است که گاه به بهای قطع شدن زبانشان این سروده‌ها را از خود به یادگار گذاشته‌اند. بدیهی است متناسب با انواع ادبی که ذکر گردید نقش واقعیت‌های تاریخی و تخیلات عامیانه و شاعرانه در این سروده‌ها افزایش یا کاهش می‌یابد.

کتابنامه

۱. آرتیمانی، رضی الدین. (۱۳۴۶) دیوان رضی الدین آرتیمانی. به کوشش محمد علی امامی، تهران: کتابفروشی خیام.
۲. احمد پناهی، محمد. (۱۳۸۳). «علی (ع) در ترانه‌های عامه»، *کتاب ماه هنر*، شماره ۶۷ و ۶۸، صص ۷۹-۷۴.
۳. امیرمعزی، محمدبن عبدالملک. (۱۳۱۸). *دیوان امیر معزی*، تصحیح عباس اقبال، تهران: نشر اسلامی.
۴. بشری، جواد. (۱۳۸۹). *ترجمه منظوم وصیت امام علی به امام حسین (علیهما السلام)*، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۵. پارساپور، زهرا. (۱۳۸۱). *مقایسه زبان حماسی و غنایی با تکیه بر خسرو و شیرین و اسکندرنامه نظامی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. جوکار، منوچهر. (۱۳۸۵). «ملاحظات در ساختار ساقی نامه با تاکید بر دو نمونه گذشته و معاصر»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، شماره ۱۲ و ۱۳، تابستان و پاییز: صص ۱۲۲-۹۹.
۷. خوسفی، ابن حسام. (۱۳۸۱). *خاوران‌نامه*، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. رزمجو، حسین. (۱۳۸۸). *قلمرو ادبیات حماسی ایران*، جلد ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۹. زرقانی، سید مهدی. (۱۳۸۸). «طرحی برای طبقه بندی انواع ادبی در دوره کلاسیک»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، سال ۶، شماره ۲۴: صص ۱۰۶-۸۱.
۱۰. سنایی، مجدود بن آدم. (۱۳۶۸). *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه*، تصحیح مدرس رضوی، تهران: نشر دانشگاه تهران.
۱۱. صحتی، محمد. ۱۳۷۹. *غدیریه‌های فارسی*. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. _____ ۱۳۷۷. «غدیر در شعر فارسی از کسایی تا شهریار»، *فصلنامه علوم و حدیث*، شماره ۱: صص ۲۶۴-۲۳۵.
۱۳. عطار. فریدالدین. (۱۳۶۴). *مصیبت‌نامه*، تهران: نشر زوار.
۱۴. علی بن احمد. (ق). تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. ش نسخه خطی ۳۲۵۸.

۱۵. فرشیدورد، خسرو. (۱۳۵۸). «نوع ادبی در اروپا و ایران. پژوهشی در نقد تطبیقی و مقایسه‌ای»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، تابستان، شماره ۹۹ و ۱۰۰: صص ۴۲-۶۹.
۱۶. کدخدایی، فیروزه. (۱۳۷۴). *مناقب علوی در شعر فارسی*، شیراز: دانشگاه شیراز.
۱۷. گلچین معانی، احمد. (۱۳۴۰). *تذکره میخانه*، تهران: نشر اقبال.
۱۸. لازار، ژیلبر. (۱۳۴۱). *اشعار پراکنده قدیمی‌ترین شعرای فارسی زبان از حنظله بادغیسی تا دقیقی*. تهران: نشر ایران‌شناسی.
۱۹. مجد، امید. (۱۳۸۸)، *نهج البلاغه منظوم*، تهران: نشر امید مجد.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، (۱۳۳۵)، *بحار الانوار*، ج ۸، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. محلاتی، امینه. (۱۳۹۰). *تشیع و ولای اهل بیت در ادب قدیم فارسی*، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۲. مدرسی، فاطمه. (۱۳۷۳). *مجموعه مقالات کنگره اهل بیت در گستره ادب فارسی*، تبریز: نشر دانشگاه تبریز.
۲۳. مولوی، جلال الدین محمد. (۱۳۷۳). *مثنوی معنوی*، به تصحیح رینولد نیکلسون، به اهتمام نصرالله پورجوادی، تهران: امیرکبیر.
۲۴. ناصر خسرو. (۱۳۷۰). *دیوان ناصر خسرو*، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۵. وجدانی، بهروز. (۱۳۸۰). «علی (ع) در ترانه‌های کار»، *کتاب ماه هنر*، شماره ۳۱ و ۳۲: صص ۷۷-۷۴.
۲۶. وحشی بافقی. (۱۳۴۷). *دیوان وحشی بافقی*، ویراسته حسین نخعی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر.
۲۷. وطواط، رشیدالدین. (۱۳۶۵). *مطلوب کل طالب*، تصحیح محمود عابدی، تهران: نشر بنیاد نهج البلاغه.
۲۸. هجویری، علی بن عثمان. (۱۳۵۱). *کشف المحجوب*، تهران: نشر طهوری.